



### بحران ارتداد

بحران اقتصادی و گرانی و بیعدالتی های اجتماعی و سیاستهای قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی به مرحله ای رسیده که حتا نیروهای درونی رژیم را نیز سرخورده ساخته و کارگران و دانش جویان را در مقابل کلیت رژیم قرار داده است. از ارتش ۲۰ میلیونی دیگر خبری نیست و تنها چند صد هزار نفری در نهادها و ارگان های رسمی رژیم باقی مانده و با ابعاد جدید اعتراضات توده ای این زنجیره نیز روز به روز سست تر شده، می رود که با جنبش توده ای و کاملاً سازمان یافته و هوشمندانه تومار ننگین جمهوری اسلامی درهم پیچد.

بدنبال اعلام حکم ارتداد آقاجری تضادهای باندهای رژیم وارد مرحله تازه ای گردیده است. باند ولائی با اتکا به قوه ی قضائیه رژیم، جناح دوم خردادی را در عرصه ایدئولوژیک به چالش کشیده و با صدور حکم ارتداد بخشی از نیروهای دوم خردادی را از مدار خارج کرده و از لیبرالیسم مذهبی دور می کند. در صفحه ۲

\* \* \* \* \*

### گزارش تظاهرات ضد جنگ در استرالیا

در تاریخ 30-11-2002 تظاهرات سراسری در اکثر ایالت های استرالیا بر علیه سیاست های جنگ طلبانه دولت امریکا و حمایت دولت استرالیا از این سیاست برگزار گردید. که حدود بیست هزار نفر در این تظاهرات شرکت داشتند که در تاریخ ۱۰ سال گذشته بی سابقه بود.

سخنران اصلی این تجمع John Pelger نویسنده و کارگردان معروف ضد راسیسم استرالیائی تبار مقیم انگلستان بود. این حرکت حدود سه ساعت و تحت شدیدترین تدابیر امنیتی پلیس طول کشید و با اینکه روز تعطیلی بود با این همه جاده ها بسته و ترافیک مختل شده بود. مردم زیادی در کنار خیابان ها از این تظاهرات حمایت می کردند.

گزارشگر جهان در سیدنی

\* \* \* \* \*

### کارگران اعتصابی کارخانه قند میاندوآب با یورش وحشیانه «لشکر محمد رسول اله» مواجه شدند!

### فریبرز مردادی نماینده کارگران دستگیر وعده زیادی زخمی و از سرنوشت برخی دیگر خبری در دست نیست!

در پی اعتصاب کارگران مبارز کارخانه قند میاندوآب که خبر آنرا در روز دهم آذر ماه باطلاع عموم رساندیم ،

در صفحه ۴

\* \* \* \* \*

### کارگران کارخانه قند میاندوآب خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند!

کارگران کارخانه قند میاندوآب دیروز نهم آذرماه در اعتراض به اوضاع نابه سامان کارخانه دست از کار کشیده و در مسجد کارخانه اجتماع نمودند ، کارگران مبارز این کارخانه علاوه بر خواست رسیدگی به وضعیت کاخانه و کارگران آن ، خواستار آزادی زندانیان سیاسی نیز هستند ، همین امر فرماندار میاندوآب را ناچار کرد تا برای جلوگیری از گسترش دامنه در خواست ها در جمع کارگران حاضر شده و با وعده و وعید آنها را به سرکارهایشان باز گرداند ، اما کارگران به سخنان فرماندار اعتماد نکره و طبق گزارش « پیک ایران» همچنان در مسجد کارخانه اجتماع نموده اند .

کارگران کارخانه قند میاندوآب با توجه به وضعیت حساس و بحرانی جامعه ضمن پیش کشیدن مطالبات اقتصادی خود بدرستی درخواست های سیاسی را نیز به میان کشیده و از جمله شعار آزادی زندانیان سیاسی را پیش کشیده اند، این امر نشان از ارتقای سطح آگاهی و کیفیت مبارزات کارگران دارد.

اما روشن است که

شعارهای کلی نظیر « رسیدگی به وضعیت نا به سامان کارخانه و کارگران و کارکنان کافی نیست بنظر ما کارگران عزیز باید از فرصت پیش آمده استفاده کرده و در جریان تجمع خود با بحث و رایزنی شعار ها و خواست های کلی و مبهم را به شعار ها و درخواست های مشخص و معین در عرصه اقتصادی و سیاسی تغییر دهند و برای پیگیری تحقق آنها تشکل مناسب کارخانه را تشکیل و با انتخاب رهبران مورد اعتماد، غیر وابسته و شجاع و کاردان ، امکان تداوم مبارزات خود را تضمین کنند. چون بدون درخواست های معین و مشخص و مورد قبول کارگران و بدون ایجاد تشکل مستقل و رهبری مورد اعتماد و منتخب خود کارگران امکان ادامه مبارزه بسیار مشکل و اغلب با تفرقه اندازی و فریب کارفرماها و نمایندگان حاکمیت به شکست منجر میشود .

ما ضمن حمایت از مبارزات کارگران کارخانه قند میاندوآب آنها را به مبارزه و مقاومت بیشتر فراخوانده واز کارگران و جوانان و دانشجویان در خواست میکنیم از هر گونه کمک و یاری به برادران و خواهران کارگر خود دریغ نورزند.

تلفیق شعارهای اقتصادی و سیاسی از سوی کارگران مبارز این کارخانه، بیشک گام مهمی است در ارتقای سطح مبارزات کارگران ایران و امیدی است برای جنبش کارگری در آینده که بتواند سکان درهم ریخته مبارزات اقشار مختلف مردم را بدست گرفته و آنها را پیروزی نهائی بر ارتجاع طبقاتی حاکم رهنمون گردد .

سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

۱۰ آذر ماه ۱۳۸۱

اخبار کارگری

صفحه ۴

## بحران ارتداد

با ورود مذهب به حیطه حکومتی و شرکت در مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، تطبیق دین و سیاست در روابط جاری "روابط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی" الزامی گردید و چالش‌های جدی را در برخی برداشت‌ها در میان ایدئولوگ‌های مذهبی به وجود آورد که همچنان بشکل کاملاً ارتجاعی جریان دارد. قبل از قدرت‌گیری جمهوری اسلامی، انجمن حجتیه سیاست را به طور کل جدا از دین می‌دانست و تجدید نظر در دین را بر اساس شرایط زمانی و مکانی بدعت می‌دانست و از این زاویه وارد شدن در حکومت را تبلیغ نمی‌کرد و برای حفظ نهادهای خود به دفاع از نظام موجود دست می‌زد و فقط برای حفظ جایگاه سنتی مذهب برای پایداری احکام اسلامی "از قبیل احکام طلاق و ازدواج و ارث و املاک و مستقلات" اوقافی "ذکات و تولیت مراکز مذهبی و... و دفاع از بافت‌های قدیمی جامعه مثل بازار سنتی و تشکل‌های روحانی و مراکز مذهبی پافشاری می‌کرد و اعتراضات آن علیه رژیم‌های حاکم در جهت حفظ موقعیت سنتی خود بود.

تفکر دیگر خواستار دخالت در قدرت سیاسی جامعه بود و تطبیق دین با جامعه امروزی را لازم می‌دانست، این تفکر توانست بخشی از روشنفکران جامعه را به طرف خود جلب کند و تئوری اسلام حکومتی را بنا نهد و دست به یک سری تعارضات بر علیه رژیم حاکم بزند. این تفکر بنا به ساختار طبقاتی و قشری نیروهای آن با تفکر سنتی در تعارض قرار گرفت. از آنجا که در ساختار طبقاتی جامعه پایگاه استواری نداشت الگوی خود را سرمایه داری دولتی قرارداد و برای جلب توده‌های مردم و روشنفکران به یک سری تغییرات در نگرش دینی دست زد، که ما آخرین چالش را در برخورد به حکم ارتداد آغازی دیدیم. قشرهایی از این دیگاه مذهبی در دفاع از خود به پایه‌های فقه سنتی پرداختند و مسئله مرید و مراد و مسئله تقلید را در یک مدار بسته مورد انتقاد قرار دادند بدون آنکه از پوسته آن خارج شوند. هاشم آقاچری در آخرین نامه خود دوشنبه چهارم آذر ماه به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی می‌نویسد: "اینجانب در دادگاه گفته‌ام و در لایحه دفاعیه نوشته‌ام که نه انگیزه و قصد اهانت داشته (عناصر معنوی جرم)، نه کلمات و عباراتی اهانت آمیز بر زبان جاری کردم (عناصر مادی) و نه اساساً جایگاه سخن و فعل، اهانتی بوده است بلکه بیان دیدگاهی و سپس نقد آن بوده است اگر یکی دو کلمه هم در سخنرانی به کار رفته که از نظر برخی ناخوش آیند جلوه کرده بود اینجانب قبل از احضار به دادگاه، هم در مصاحبه‌ای مطبوعاتی و هم طی نامه سرگشاده‌ای به رئیس محترم مجلس شورای اسلامی رسماً از بابت آنها عذرخواهی کردم."

آقاچری عنصر معنوی را جرم می‌داند که این خود نشان گر نه تنها ناپایداری به مبارزه ایدئولوژیک است، بلکه اینطور می‌نماید که هر ایدئولوژی خارج از چارچوب بسته مذهبی از نظر ایشان مردود است و از قبل حکم مجرم بودن مارکسیست‌ها صادر شده است. آنچه که باید در اینجا توضیح داد این است که نه تنها داشتن هرگونه بینش و ایدئولوژی جرم نیست بلکه یک جامعه برای گذار، احتیاج به مبارزه ایدئولوژیک بدون دغدغه و ترس و بدون تعقیب دارد و اصولاً هیچ مرجعی نتواند به حریم آزادی بیان و اندیشه تجاوز کند.

دیدگاه سنتی به نمایندگی انجمن حجتیه که جدائی دین از سیاست را تبلیغ می‌کرد. بعد از تغییر قدرت سیاسی در ایران دچار دگرگونی شد و نمایندگان فکری او در ساختار حکومتی وارد شدند و از این طریق به اجرا احکام اسلامی دست زدند

و از وجود حکومت مذهبی به کل اقتصاد کشور دست یافتند و با استفاده از ارگانهای دولتی دامنه فعالیت‌های اقتصادی خود را گسترش دادند و آستان‌های قدس رضوی و معصومه و سایر نهادهای مذهبی و بیش از نیمی از مرکز اقتصادی کشور را بدست گرفتند. در حال حاضر قدرت غالب را از طریق ولایت فقیه در دست دارند و می‌خواهند بنوعی مذهب و سیاست را به موازات هم و تحت قیادت خود به پیش ببرند. جناح سنتی در صدد است که قدرت مذهبی را با احکام قضائی زیر لوای مرجعیت و روحانیت نگه دارد و بخشی از قدرت سیاسی و اجرائی را به روشنفکران خودی بسپارد و در ضمن به توافقاتی با سران برخی از باندهای مقابل رسیده است. با این حال نیروهای پشت پرده خود را به صحنه آورده تا به یک سیستم یکدست برسد. افرادی که در محافل درونی رژیم از آنها یاد می‌شوند، لاریجانی‌ها و از نزدیکان به خامنه‌ای و انجمن حجتیه هستند. لازم است به بخشی از دیدگاه‌های محمد جواد لاریجانی مهره مرموزی که با مقامات انگلیس رابطه تنگاتنگ داشته علیرغم افشا دیدارهای وی هیچ تغییری در وضعیت وی بوجود نیامد و در حال حاضر معاون بین الملل قوه قضائیه است. محمد جواد لاریجانی در گفت و گوئی با خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران سه شنبه ۱۲ آذر ماه نظرات خود را در مورد سیاست خارجی و احکام در قوه قضائیه و... پرداخته که به نظرات وی در خصوص حکم ارتداد و قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی گذر می‌کنیم. ایشان با اعتقاد به اسلام سنتی، مصلحت‌گرایی را برای حفظ قدرت لازم می‌داند و معتقد به دخل و تصرف در قوانین الهی نیست. ایشان توصیه می‌کند که در صورت جواب ندادن قوانین اسلامی و فقهی در صورت لزوم با مصلحت می‌توان احکام را موردی و موقتی تعطیل کرد از این زاویه عقب نشینی برای حکومت را واجب می‌داند. در این مورد می‌گوید: "قانون اساسی مصلحت‌گرایی را به شکل نهادینه وارد سیستم حکومتی کرده است."

وی می‌افزاید: "بنا بر این از حفظ حکمرانی، توجه به مصلحت را نمی‌توان امر مذمومی دانست، چرا که به مصلحت یک اصل است و در نظام ما نیز مکانیزم‌های مصلحت‌اندیشی پیش بینی شده است. ضمن اینکه مصلحت‌اندیشی خلاف قانون نیست بلکه منطبق با روح و متن قانون است."

مصلحت‌گرایی امر تازه‌ای نیست و حکمرانان اسلامی در مقاطع مختلف در مواقع ضعف حکومتی دست به مصلحت‌گرایی زده و تغییراتی در شیوه نگرش بوجود آورده‌اند، بخصوص در چند دهه اخیر بمراتب از این موارد یافت می‌شود که قوانین خودشان، فدای مصلحت‌ها شده است. لاریجانی به خطبه نماز جمعه‌ی خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری اش اشاره می‌کند که وی به انتقاد از خمینی گفته بود: "رهبر باید در چارچوب قانون اساسی عمل کند." و لاریجانی می‌گوید: "امام راحل در آن زمان مبانی شرعی این نظر را به نقد کشیدند. عمده‌ترین دلیل امام اتکا به مصلحت بود. به عبارتی اگر نظام اقتضا کند ولی امر می‌تواند فراتر از قانون رفته و حتی بعضی از امور واجب مثل حج را تعطیل کند."

لاریجانی با استناد به این گفتار، وارد محدوده اجرائی احکام مذهبی می‌شود و حتی احکام اولیه اسلامی را از اختیارات حاکم اسلامی می‌داند و وارد شدن مقلدان را در این بحث گناه و قابل کیفر می‌داند. ایشان با طرح این مسئله دیکتاتوری مذهب را عریان می‌کند و "ولی فقیه" را صاحب و مالک جان و مال و ناموس و اعتقادات افراد می‌داند. یکی از مسائل مهمی که اسلام در جهان و بخصوص حکومت

**بحران ارتداد**

جمهوری اسلامی با آن در گیر است احکام ارتداد و کفر است. با اعمال این احکام در جمهوری اسلام سال هاست که خون روشنفکران و مبارزان و پیروان ادیان دیگر را پایمال می شود. نحوه نگرش باندهای رژیم به احکام ارتداد و کافر در باره غیر خودی ها تفاوت چندانی ندارد ولی در مورد خودی ها ازا نظراتی متفاوتی دارند. که در وضعیت کنونی با تهاجم قشر سنتی به نیروهای بخش منتقدان دوم خردادی تضادهای جدیدی در حال اوج گیری است. لاریجانی برخورد به این احکام اولیه اسلامی را در اختیار روحانیت می داند و دیدگاه مقابل ابعاد تخصصی آن را به دانشگاه و علوم و فنون جدید می کشاند و سعی دارد بین نگرش جدید و قدیم آشتی برقرار کند. با این وجود احکام ارتجاعی شرعی، بصورت قوانین اجرائی در جمهوری اسلامی برقرار است. بطوری که در سال های گذشته بخصوص در سال ۱۳۶۷ با فتوای خمینی هزاران نفر به دار کشیده شدند و هنوز هم از طرف باندهای حکومتی هیچگونه انتقادی به حکم خمینی صورت نگرفته است. لابد روشنفکران مذهبی برای احیا این احکام به دنبال فتوا دهندگان عصر جدید هستند و یا دنبال خمینی جدیدی می گردند.

لاریجانی که حکم ارتداد را برای خودی و غیرخودی تأیید می کند ولی اجرای آن را به مصلحت گرائی واگذار می کند، در باره صدور حکم ارتداد برای سلمان رشدی می گوید: "در آن زمان نامه ای برای امام نوشته و این مسائل را توضیح دادم. امام نیز در حاشیه نامه نوشتند که من بعنوان یک طلبه، نظرم را در باره سلمان رشدی و کتابش بیان کردم، دولت و دستگاه دیپلماسی باید آنچه که مصلحت نظام است را دنبال کند."

رژیم مذهبی که سیاست را از حکومت جدا نمی داند. لاریجانی برای گریز از فشارها و انتقادهای جهانی جای مصلحت را در دیپلماسی باز می کند و سعی دارد در سیاست خارجی به دنبال گزینه ای جدا از مذهب بگردد و جایگاه بعدی خود را تضمین کند.

پرسشگر که از دیدگاه وی کاملاً مطلع است ، می پرسد در زمان کنونی مصلحت چه می تواند باشد، لاریجانی در جواب می گوید: "باید در این باره، به پدیدار شناسی پرداخت. قوه قضائیه رفتاری برخورد کرده و در پروسه اش حکم سنگینی را صادر کرد. که از سوی جناح های مختلف و رقیب سیاسی مورد اعتراض قرار گرفت از آنجا که آقاجری استاد دانشگاه بود، حکم وی سبب اعتراض شدید دانشجویان و اساتید شد تا آنجا که نامه ای برای مقام معظم رهبری نوشتند و ایشان نیز با توجه به سنگینی حکم دستور بازنگری حکم را در مسیر قانونی دادند."

لاریجانی حکم صادره را نفی نمی کند و حتی مسئولیت صدور حکم را به قوه قضائیه منتسب می کند. ایشان اظهار می دارد که بدنبال اعتراضات دانشجویان و . . . ، رژیم عقب نشینی را پذیرفت و خامنه ای مجبور به صدور دستور بازنگری حکم شد. وی در جای دیگر از مصاحبه اش می گوید: "مثل اینکه تصمیمی را دولت می گیرد و کارگران کارخانه ای در اعتراض به آن چند در و پنجره را می شکنند چه بسا در چنین مواردی، دولت عقب نشینی کند. این امر طبیعی در تمام دنیاست." لاریجانی در اینجا به صراحت به عقب نشینی اشاره می کند و هشدار می دهد که باید در مقابل اعتراضات توده ای باید قدری کنار آمد و الا رژیم بطور کلی از میان خواهد رفت. لاریجانی معتقد است، بدون تغییرات اساسی در ساختار حکومتی می توان به عقب نشینی های تاکتیکی دست زد و نهادهای حکومتی را در مسئله وارد کرد. او می گوید: "اینکه

حکمی صادر شده و به آن اعتراض شود و سپس حکم در مسیر اصلاح پیش رود. نه تنها مایه وهن نظام نیست . بلکه به معنی در نظر گرفتن مکانیزم مصلحت، در شورای عالی امنیت ملی و چه در مجمع تشخیص مصلحت و نهایتاً نهاد رهبری است طبق قانون اساسی مصلحت اندیشی نهایتاً با اتکا به نهاد قانونی رهبر صورت می گیرد." لاریجانی ضمن اشاره به نهادهای قدرتمند رژیم مصلحت گرائی را در دو بعد ایدئولوژیک و سیاسی قابل بررسی می داند . در بعد ایدئولوژیک مصلحت گرائی را در حیطه اختیارات قاضی نمی داند و احکام صادره بر اساس قوانین اسلامی از طرف قاضی را تعطیل بردار نمی داند و بلکه به صدور این نوع احکام از طرف قاضی تأکید می کند . می گوید: "معتقدم قاضی به هیچ وجه حق مصلحت اندیشی ندارد. عبارت دیگر حتماً اگر مصلحتی را در نظر داشت، حق اعمال آنرا ندارد. قاضی صرفاً باید امر قانون را اجرا کند. مکانیزم های مصلحت حکومتی است و نه قضائی."

حکم ارتداد صادره علیه آقاجری نه تنها اعتراضات داخلی و جهانی را برانگیخت بلکه از ماهیت ارتجاعی احکام قرون وسطائی که سالیان متمادیست عمل می شود پرده برداشت و رژیم را در چالش های جدیدی گرفتار کرد. با عمده شدن نقض حقوق بشر در ایران رژیم را مجبور به پاسخگوئی ساخت. لاریجانی در این مورد می گوید: "البته برخی از اعتراضات را قبول داریم مثل شرایط زندان که هیچ ابائی برای اینکه بگوئیم اشکالاتی در این زمینه وجود دارد، نداریم. چرا که کشوری در حال ساخت هستیم و کمال مطلق نیستیم و هیچ واهمه ای از اظهارات دیگران نداریم." و می افزاید: "البته در برخی موارد نیز ادعای آنها را قبول نیست "مثل مجازات هایی نظیر اعدام که آنرا خلاف حقوق بشر می دانند، در حالی که در برخی از کشورهای اروپائی نیز چنین مجازاتی وجود دارد و ما نیز مجازات اعدام را با هدایت دین مبین اسلام در سیستم قضائی خود داریم و آن را خلاف حقوق بشر نمی دانیم. مضاف بر اینکه چیزی در منشور نیز نیامده است. یا در مسئله ای مانند ارتداد که آنها آن را به هیچ وجه جرم نمی دانند در حالی که ما معتقدیم ارتداد می تواند، جرم باشد." لاریجانی مثل سایر برادران قرن عتیقی خود که در بازی با کلمات استاد است. این بار از ناشیگری به کاهدان می زند. لب مطلب وی را می شود چنین اخراج کرد. تفتیش عقاید از ضروریات حکومت دینی جمهوری اسلامی است و در شکنجه گاهها و دادگاه های قرون وسطائی اجازه داده می شود، بر اساس اسلام مردم را شکنجه کنند، شلاق زند و بخاطر عقیده به حکم ارتداد و کافر به دار بیاویزند.

عمر رژیم جمهوری اسلامی به اجرای احکام ارتجاعی قوانین مجازات اسلامی بستگی دارد و بنا به خصلت رژیم زبانی جز قدرت نمی شناسد و تنها از راه جدائی کامل توده های مردم از رژیم و مبارزه سازمان یافته توده ای رژیم مجبور به عقب نشینی شده و در نهایت با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری فدراتیو شورائی طومار ننگین خیانت ها و جنایات رژیم به ذباله دانی تاریخ سپرده میشود. \* \* \* \*

ادامه از صفحه ۴

ما ضمن پشتیبانی از مبارزات کارگران لیاف خراسان، همه کارگران را به اتحاد و گسترش مبارزه فرا میخوانیم . به یقین که پیروزی از آن شمامست و تشکل و اتحاد و گسترش مبارزات، ضامن این پیروزیست .

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۱ آذرماه ۱۳۸۱**

**اخبار کارگری****حرکت اعتراضی کارگران شرکت کامجویان**

بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت کامجویان وابسته به معدن سوسنگرود لوشان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات و عدم پرداخت حقوق معوقه‌شان و خطر تعطیلی کارخانه در روز پنجشنبه ۱۷ آذر ۸۱ در مقابل درب شرکت اصلی (البرز غربی) دست به تجمع اعتراضی زدند. پیش از این کارگران این شرکت و بویژه کارگران روزمزد و قراردادی بارهای اعتراض خود را به گوش مسئولین رسانده بودند و محمدخاتمی نیز در سفر خود به شهرستان رودبار قول رسیدگی به مشکلات کارگران داده بود که ترتیب اثری به این قول داده نشد و به جای رسیدگی به این مشکلات شایعه برنامه‌ریزی برای تعطیل کردن کارخانه روزبه‌روز قوت می‌گیرد که این امر بر نگرانی کارگران به شدت افزوده است.

\* \* \* \* \*

**کارگران الیاف خراسان  
جاده مشهد به شیروان را بستند!**

در پی عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران الیاف خراسان، امروز کارگران این کارخانه با بستن جاده مشهد به شیروان، ضمن اعتراض به تعطیلی کارخانه، خواستار پرداخت فوری حقوق معوقه و سایر مطالبات خود شدند.

کارگران الیاف خراسان نیز همچون ده‌ها کارخانه دیگر بیش از سه ماه است که حقوق خود را دریافت ننموده‌اند. در پی این اعتراض فرماندار، رئیس دادگستری و نیروی انتظامی در محل حاضر شده و ضمن صدور قرار بازداشت یکی از سهامداران کارخانه به کارگران وعده دادند تا به خواست هایشان رسیدگی کنند.

اقدام کارگران مبارز کارخانه الیاف مشهد در بستن جاده و کشاندن فرماندار، رئیس دادگستری و فرمانده نیروی انتظامی به این محل و وادار کردن آنها به صدور قرار بازداشت سهامدار کارخانه، اقدامی مثبت و موثر می‌باشد. معهدا کارگران مبارز باید بدانند که این تنها کارخانه آنها نیست که توسط سرمایه داران بخاطر اخراج و تصفیه کارگران و سود اندوختن بیشتر بسته میشود، بدون اینکه کسی پاسخگوی مطالبات برحق کارگران بشود. بلکه این مشکل دامنگیرده‌ها کارخانه دیگر نیز هست. از اینرو لازم است تا کارگران مبارز در حین تجمع اعتراضی خود، به وعده و وعیدهای مقامات باور نداشته و برای تداوم مبارزه تا پیروزی نهائی، اولاً دست بایجاد تشکل مستقل خود بزنند و در ثانی با انتخاب کارگران آگاه و مبارز و غیر وابسته به حکومت، تلاش کنند تا مبارزات خود را با کارگران کارخانه‌های دیگر هماهنگ کرده و با قدرت و توان بیشتری در مقابل کارفرمایان و دولت قرار بگیرند. چرا که تجمعات سازمان نیافته و موقتی هرچند مهم و موثر است اما متضمن تداوم مبارزات کارگران نیست. علاوه بر آن در شرایط کنونی برای جلب پشتیبانی سایر اقشار مردم و شکستن جو ترور و خفقان، تلفیق خواست‌های اقتصادی و سیاسی از طرف کارگران ( نظیر طرح شعار آزادی زندانیان سیاسی توسط کارگران کارخانه قند میاندوآب)، ضروریست.

ادامه در صفحه ۳

**کارگران اعتصابی کارخانه قند میاندوآب با یورش وحشیانه****« لشکر محمد رسول اله » مواجه شدند!**

کارگران این کارخانه که از روز نهم آذرماه با طرح شعارهای اقتصادی و سیاسی خود دست به اعتصاب زده و در مسجد کارخانه اجتماع نموده بودند، دیشب ساعت یک بعد از نصف شب مورد هجوم وسیع نیروهای وابسته به لشکر محمد رسول اله رژیم قرار گرفته و با ضرب و شتم آنها مواجه شدند. در درگیری بین کارگران اعتصابی و نیروهای سرکوبگر، عده زیادی دستگیر و زخمی شده‌اند. فریبرز مردادی نماینده کارگران نیز جزو دستگیر شدگان است.

رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران و مدیرانی که با تشدید استثمار و زور و سرکوب قصد فرونشاندن مبارزات روبه گسترش کارگران را دارند، باید بدانند که با این تمهیدات نمیتوانند جنبش کارگری را از مبارزات برحق خود بازدارند. ما ضمن محکوم کردن سرکوب و دستگیری کارگران مبارز قند میاندوآب، از همه کارگران و تشکل‌های دانشجویی و بویژه مردم زحمتکش میاندوآب می‌خواهیم تا به یاری و پشتیبانی از مبارزات کارگران اعتصابی برخاسته و تا آزادی دستگیر شدگان و تحقق خواست‌های آنها از پای ننشینند.

ما احزاب، سازمانهای انقلابی و مترقی، تشکل‌های کارگری، انسانهای مترقی و آزادیخواه در ایران و سراسر جهان رابه پشتیبانی از مبارزات کارگران اعتصابی فرا می‌خوانیم.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرارباد  
جمهوری فدراتیو شورائی ایران!  
پیروز باد جنبش متحد و رادیکال کارگری  
ایران!**

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

۱۴ آذرماه ۱۳۸۱

**نشریات کارکمونیستی . ریگای که ل . جهان  
کمونیستی و آخرین اطلاعاتیه های سازمان را از  
آدرسی غرفه سازمان در اینترنت دریافت کنید**

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

**فاکس روابط عمومی**

+(46)317792571

**آدرسی پست الکترونیکی سازمان**

webmaster@fedayi.org

**آدرسی پست الکترونیکی نشریه**

jahan@fedayi.org

**آدرسی غرفه سازمان در اینترنت**

www.fedayi.org

www.fedayi.se

**برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی****سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران**